روزنه

انتصاب‌های دکوری پایان ندارد

تهمینه توسی

مهساجزینی

سازمان‌ملل در سال ۲۰۰۸ سهم مدیریت زنان را در ایران ۱۶درصد اعلام کرد؛ رقمی که وضعیت منامی را ترسیم نمی‌کند. اینکه چرا سهم زنان ایرانی در مدیریت سیاسی اجتماعی کشور همچنان ناچیز است، ربطی به امروز و دیروز ندارد بلکه به نگرش‌ها و سیاست‌های سالیان گذشته بازمی‌گردد. سال‌های نخست انقلاب تقریبا ما شاهد هیچ برنامه و سیاست‌گذاری مشخصی در حوزه زنان نیستیم. آنچه پیش‌بردنه وضعیت بود برآمده از شرایط انقلابی و معطوف به تغییرات نگرشی، ارزشی و فرهنگی بود. «فضا» جایگزین «سیاست‌گذاری» شده بود. بحث حجاب، تغییر برخی قوانین مربوط به خانواده و زنان، ارزش‌های زن اسلامی، براندایم مسلط اوایل دهه ۶۰ بود و فضا هم بیشتر تحت‌تاثیر دو الگوی متضاد قرار داشت؛ چالشی مبتنی بر تعریف الگوی زن غربی و زن مسلمان. مفاهیم، جا برای پرداختن به مباحث مصداقی و واقعی‌تر نمی‌گذاشت. در این دوران حضور زنان در عرصه‌های مدیریتی حتی برای خود زنان فعال در عرصه‌های سیاسی هم چندان جدی نبود تا جایی که وقتی سال ۵۹ از سردبیر ماهنامه اطلاعات بانوان درباره حضور زنان در کابینه سوال می‌شود پاسخ بیشتر کلی است؛ «درباره حضور زنان در کابینه بیشتر به شرایط زنی که باید در کابینه بود اشاره کرد تا لزوم آن، اینکه این فرد قشری‌مذهب و انقطاعی نباشد. غربی و شرقی هم نباشد. مکتبی، دلسوز و رحیم به مستضعفان باشد؛ با همال وسائل دهه‌ی بختیار»؛ نماینده زنان ایران در کنفرانس زنان کپنهاگ شرکت می‌کند به نقش زنان ایرانی در راهپیمایی علیه شاه اشاره می‌کند و زنان گرفتار در دام تبلیغات آرایشی را عروسک‌های پهلوی می‌خواند به نظر می‌رسد اگر هم تاکیدی بر حضور زنان به‌شیوه محدود به ارگان‌ها و مکان‌های خاص است، بدون طرح و تاکید ویژه بر نقش‌های مدیریتی زنان. مثلا سال ۶۰ حزب جمهوری‌اسلامی در بیانیه‌ای درباره زنان می‌گوید: «زنان باید همواره بدان گذشته در همه شیون سیاسی کشور حضور مستمر داشته باشند و در کنار خانواده در نهادهای انقلابی مانند جهاد سازندگی، سپاه و بسیج حضور داشته باشند.» سیاست‌ها هم در این دوره بیشتر زن را بر محور خانواده تعریف می‌کرد. مثلا وقتی بحث نیمه‌وقت‌شدن کار زنان در مجلس مطرح شد «عائقه رجایی» نماینده مجلس، زنی بود که از این طرح دفاع کرد و سال ۶۴ این قانون در مجلس تصویب شد. قانونی که می‌گفت بانوان کارمند موسسات دولتی و وزارتخانه‌ها در صورت موافقت وزیر یا مقام بالاتر می‌توانند از خدمت نیمه‌وقت استفاده کنند که در نهایت، حقوق و مزایا هم نصف می‌شود. چنین قانونی اگرچه صدرصد اجرایی نشد اما در نهایت مشخص بود که کمکی هم به ارتقای جایگاه زنان در سطوح مدیریتی نمی‌کند؛ چون هیچ مدیر بالادستی‌ای قطعا مدیر نیمه‌وقت نمی‌خواست. اطلاعات مرکز آمار ایران نشان می‌داد جمعیت زنان شاغل در دهه ۶۵-۵۵ کاهش یافته بود. براساس آمار سال ۶۵ درحالی که تنها شش‌درصد از شاغلان مرد تحصیلات عالیه داشتند اما اکثر آنها در پست‌های عالی حضور داشتند درحالی که ۱۸درصد از زنان شاغل، تحصیلات عالیه داشتند تنها ۱۶درصدشان پست‌های اداری بالا را در اختیار داشتند اما در فاصله یکسال بعد شورای فرهنگی اجتماعی زنان، زیرنظر شورایعالی انقلاب فرهنگی راه‌اندازی می‌شود نخستین سازوکار دولتی با حکومتی بعد از انقلاب که به نظر می‌رسد قرار است با رویکردی واقعی‌تر و برنامه‌ریزی به حوزه زنان نگاه کند. یکی ازبرنامه‌های این شورا، رفع مشارکت زنان در فعالیت‌های مختلف سیاسی و اجتماعی اعلام می‌شود. اگرچه این شورا طبعا بیشتر کارش هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی بود و قدرت اجرایی نداشت.

دولت «توسعه» و زنان

یکسال بعد دولت هاشمی با شعار«توسعه» سرکار آمد. «توسعه» هم بدون نیمی‌تکاملی به وضعیت زنان ممکن نبود. از همانجا به بعد که برای نخستین‌بار مرکزی با عنوان «دفتر امور زنان ریاست‌جمهوری» در سال ۷۰ به وجود آمد. این دفتر درواقع جایگزین شورای اجتماعی، فرهنگی زنان شده بود؛ جایی که قرار بود برنامه‌ریزی برای زنان در حوزه اجرایی عملی شود. «شهلا حبیبی» به ریاست این دفتر رسید اما نخستین گفتوگوی رسانه‌ای او چشم‌انداز چندان روشنی از برنامه‌های این دفتر ارایه نمی‌کرد. ادبیات او درباره زنان کلی است و گفته‌هایش از حرف‌های کلیشه‌ای مرسوم در دهه ۶۰ نشات می‌گرفت.

او در نهایت هدف از راه‌اندازی دفتر امور زنان را «سیاست‌گزینی» می‌داند و اینکه با پیداکردن بهترین راه‌حل، بهترین سیاست‌ها را به رییس‌جمهوری ارایه کند. در همان سال‌ها وقتی روزنامه «ابرار» از «حبیبی» درباره اینکه قرار بوده پست‌های کلیدی به زنان واگذار شود سوال می‌کند «حبیبی» پاسخ روشنی ندارد و به زمینه‌سازی و زدودن زنگارهای غلط فرهنگی اشاره می‌کند: «میردن پست‌ها بصرف زن‌بودن درست نیست بلکه به تناسب نیاز جامعه، تعهد، تخصص و کارایی باید باشد و درنخستین قدم باید بانوان به کسب لیاقت بپردازند.» اگرچه «حبیبی» نمی‌گوید که دفتر تحت مدیریت او چه برنامه‌هایی برای کسب این لیاقت‌ها توسط زنان دارد و آیا مردان مدیر همه به‌واسطه اثبات لیاقت‌ها در پست‌های کلیدی منصوب شده‌اند؟ شاید به‌همین خاطر بوده که هاشمی‌رفسنجانی آن روزها، حبیبی را به ریاست دفتر امور زنان ریاست‌جمهوری برگزید. چنان‌که حرف‌های او بی‌تردید بخشی از خط‌مشی فکری آیت‌الله هاشمی در مسایل زنان را بازآور می‌شود. با این حال یکسال بعد ۶۰ زن به‌عنوان نماینده وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها به دفتر امور زنان معرفی می‌شوند. برنامه‌های دفتر امور زنان اما بیشتر حول‌وحوش مسایل خانواده، مشاوره، زنان بی‌سرپرست و ورزش بانوان و ازدواج و مسایل اینچنینی دور می‌زند. اگرچه سیاست‌های اشتغال زنان در شورایعالی انقلاب فرهنگی تصویب می‌شود اما هنوز از سیاستگزاری در بحث مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان در عرصه‌های مدیریتی خبری نیست. با این حال قدم‌های کوچکی برداشته می‌شود. مانند انتصاب مشاوران امور زنان و کمیسیون‌های بانوان در استانداری‌ها در سال ۷۳ هم گرهمایی‌ای با همکاری بونیسف درخصوص راه‌های مشارکت زنان در برنامه‌ریزی کشور در نهاد ریاست‌جمهوری برگزار شده و به فاصله دوسال بعدتر «رها صدرعاملم‌نوری» نخستین شهردار زن در منطقه۷ تهران انتخاب می‌شود. «کرباسچی» در مراسم معارفه او می‌گوید: «هیچ مرزی برای مشارکت زنان در مدیریت‌های اجرایی کشور وجود ندارد. این مرز برای شهردار سابق و احیانا خیلی مدیران مرد اما در همان منطقه هفت به پایان می‌رسد و تهران دیگر شهردار زنی به خود نمی‌بیند. اگرچه در سال‌های بعد در نقاط مختلف ایران زنانی به شهرداری انتخاب شدند؛ انتخابی که بیشتر زنانی از تلاش خود آنها بود. زنان توانسته بودند خود را به سیستم تحمیل کنند وگرنه هیچ برنامه‌ریزی و اراده مشخصی از بالا، سهمیه‌ای برای زنان مدیر در نظر نگرفته بود. سهم زنان از مدیریت بخش دولتی در دهه آغازین ۷۰ کمتر از سه‌درصد از کل پست‌های مدیریتی بود.

نخستین گام‌های جدی

بیا این حال با آمدن دولت «خاتمی» قدم‌های خاصی که در دولت توسعه محور قبلی برداشته شده بود جدی‌تر و نظام‌مندتر شد. پشتوانه آن هم خواستهای بدنه بود که از سوی جامعه، مطالبات مربوط به زنان را دنبال و طرح می‌کرد. شاید برای نخستین‌بار از تغییر قوانین و مقررات و نگاه‌ها سخن گفته شد. از همان‌جا بود که نخستین زن در تاریخ جمهوری‌اسلامی به کابینه دولت راه یافت. «معصومه ابتکار» رییس سازمان محیط‌زیست شد. «ابتکار» گفته بود: «خاتمی قصد داشت تا سد شکسته شود. در قم مخالفت‌هایی بود. آقای ابطحی رفت و توضیحاتی داد؛ دفتر امور زنان هم در دولت خاتمی ارتقا یافت و برای آن بودجه‌ای جداگانه اختصاص یافت. رقم بودجه این حوزه از ۴۰میلیون‌تومان در سال ۷۶ به ۲۲میلیارد‌تومان در سال ۸۲ رسید. به دنبال ایجاد این دفتر در سال ۸۱ همه دستگاه‌های دولتی موظف شدند ۲۵درصد درصد بودجه خود را به بحث مشارکت زنان اختصاص دهند. مهم‌ترین برنامه مرکز مشارکت امور زنان در همان سال نخست افزایش مشارکت اجتماعی زنان اعلام شد. «رهام‌شجاعی» با اشاره به اجرائی‌شدن قانون شوراهای شهر و روستا گفته بود: «با توجه به سیاست‌های دولت جدید این بهترین فرصت برای زنان درجهت تصدی پست‌های اجرایی است؛ در آماری اعلام شد تعداد زنان مدیر در سال ۷۶ (۲۲۶نفر به هزار)۸۲نفر در سال ۸۲ رسیده است. رییس مرکز مشارکت امور زنان افزایش توانمندی مدیریتی زنان را از برنامه‌های این مرکز عنوان کرده و گفته بود: «برای رسیدن به این هدف دوره‌های آموزشی مدیریت در سطح کشور برگزار می‌کنیم.» «رهام شجاعی» در انتهای دولت خاتمی رشد مدیریت زنان را ۳۱درصد اعلام کرده بود. در دوران اصلاحات با اجرائی‌شدن قانون شوراهای شهر و روستا ۷۸۳ زن بعنی ۲/۲درصد از کل داوطلبان به عضویت شوراها در آمدند. نتایج پژوهش دانشگاهی در همین زمینه نشان می‌دهد در سال‌های ۷۰ تا ۸۵ یک‌هزار‌و۸۶۷ زن به سمت‌های مدیریتی منصوب شده بودند.

بازگشت به دهه ۶۰

با آمدن «احمدی‌نژاد» نگاه خاص بر حوزه زنان سایه افکند و مسیر برنامه‌ها تغییر کرد؛ این مساله در نخستین قدم با تغییر نام مرکز خودش را نشان داد. مرکز امور مشارکت امور زنان به زنان، و خانواده تبدیل شد و اولویت‌ها از زن و اجتماع به زن و خانواده تغییر یافت. «سرین سلطان‌خواه» «زهره طبیب‌زاده نوری» و «مریم جمچه‌نژاد» دردولت‌های نهم و دهم به ریاست این مرکز رسیدند. «زهرا شجاعی» درمصاحبه‌ای گفته بود: «تصور می‌کردند به اندازه کافی به بحث مشارکت سیاسی زنان پرداخته شده و جداگانه اختصاص یافت. رقم بودجه این حوزه از ۴۰میلیون‌تومان در سال ۷۶ به ۲۲میلیارد‌تومان در سال ۸۲ رسید. به دنبال ایجاد این دفتر در سال ۸۱ همه دستگاه‌های دولتی موظف شدند ۲۵درصد درصد بودجه خود را تلاش خود آنها بود. زنان توانسته بودند خود را به سیستم تحمیل کنند وگرنه هیچ برنامه‌ریزی و اراده مشخصی از بالا، سهمیه‌ای برای زنان مدیر در نظر نگرفته بود. سهم زنان از مدیریت بخش دولتی در دهه آغازین ۷۰ کمتر از سه‌درصد از کل پست‌های مدیریتی بود.

بازگشت به دهه ۶۰

با آمدن «احمدی‌نژاد» نگاه خاص بر حوزه زنان سایه افکند و مسیر برنامه‌ها تغییر کرد؛ این مساله در نخستین قدم با تغییر نام مرکز خودش را نشان داد. مرکز امور مشارکت امور زنان به زنان، و خانواده تبدیل شد و اولویت‌ها از زن و اجتماع به زن و خانواده تغییر یافت. «سرین سلطان‌خواه» «زهره طبیب‌زاده نوری» و «مریم جمچه‌نژاد» دردولت‌های نهم و دهم به ریاست این مرکز رسیدند. «زهرا شجاعی» درمصاحبه‌ای گفته بود: «تصور می‌کردند به اندازه کافی به بحث مشارکت سیاسی زنان پرداخته شده و جداگانه اختصاص یافت. رقم بودجه این حوزه از ۴۰میلیون‌تومان در سال ۷۶ به ۲۲میلیارد‌تومان در سال ۸۲ رسید. به دنبال ایجاد این دفتر در سال ۸۱ همه دستگاه‌های دولتی موظف شدند ۲۵درصد درصد بودجه خود را به بحث مشارکت زنان اختصاص دهند. مهم‌ترین برنامه مرکز مشارکت امور زنان در همان سال نخست افزایش مشارکت اجتماعی زنان اعلام شد. «رهام‌شجاعی» با اشاره به اجرائی‌شدن قانون شوراهای شهر و روستا گفته بود: «با توجه به سیاست‌های دولت جدید این بهترین فرصت برای زنان درجهت تصدی پست‌های اجرایی است؛ در آماری اعلام شد تعداد زنان مدیر در سال ۷۶ (۲۲۶نفر به هزار)۸۲نفر در سال ۸۲ رسیده است. رییس مرکز مشارکت امور زنان افزایش توانمندی مدیریتی زنان را از برنامه‌های این مرکز عنوان کرده و گفته بود: «برای رسیدن به این هدف دوره‌های آموزشی مدیریت در سطح کشور برگزار می‌کنیم.» «رهام شجاعی» در انتهای دولت خاتمی رشد مدیریت زنان را ۳۱درصد اعلام کرده بود. در دوران اصلاحات با اجرائی‌شدن قانون شوراهای شهر و روستا ۷۸۳ زن بعنی ۲/۲درصد از کل داوطلبان به عضویت شوراها در آمدند. نتایج پژوهش دانشگاهی در همین زمینه نشان می‌دهد در سال‌های ۷۰ تا ۸۵ یک‌هزار‌و۸۶۷ زن به سمت‌های مدیریتی منصوب شده بودند.

بازگشت به دهه ۶۰

با آمدن «احمدی‌نژاد» نگاه خاص بر حوزه زنان سایه افکند و مسیر برنامه‌ها تغییر کرد؛ این مساله در نخستین قدم با تغییر نام مرکز خودش را نشان داد. مرکز امور مشارکت امور زنان به زنان، و خانواده تبدیل شد و اولویت‌ها از زن و اجتماع به زن و خانواده تغییر یافت. «سرین سلطان‌خواه» «زهره طبیب‌زاده نوری» و «مریم جمچه‌نژاد» دردولت‌های نهم و دهم به ریاست این مرکز رسیدند. «زهرا شجاعی» درمصاحبه‌ای گفته بود: «تصور می‌کردند به اندازه کافی به بحث مشارکت سیاسی زنان پرداخته شده و جداگانه اختصاص یافت. رقم بودجه این حوزه از ۴۰میلیون‌تومان در سال ۷۶ به ۲۲میلیارد‌تومان در سال ۸۲ رسید. به دنبال ایجاد این دفتر در سال ۸۱ همه دستگاه‌های دولتی موظف شدند ۲۵درصد درصد بودجه خود را به بحث مشارکت زنان اختصاص دهند. مهم‌ترین برنامه مرکز مشارکت امور زنان در همان سال نخست افزایش مشارکت اجتماعی زنان اعلام شد. «رهام‌شجاعی» با اشاره به اجرائی‌شدن قانون شوراهای شهر و روستا گفته بود: «با توجه به سیاست‌های دولت جدید این بهترین فرصت برای زنان درجهت تصدی پست‌های اجرایی است؛ در آماری اعلام شد تعداد زنان مدیر در سال ۷۶ (۲۲۶نفر به هزار)۸۲نفر در سال ۸۲ رسیده است. رییس مرکز مشارکت امور زنان افزایش توانمندی مدیریتی زنان را از برنامه‌های این مرکز عنوان کرده و گفته بود: «برای رسیدن به این هدف دوره‌های آموزشی مدیریت در سطح کشور برگزار می‌کنیم.» «رهام

ادامه از صفحه ۷

باور به توانمندی زنان «تزریقی» نیست

کمی گذشت و بیشتر به نکات مثبت و همراهی‌ها پرداختید؛ آیا شورشگرانه‌ای بر سر راه هم بود؟

خوشبختانه با متاسفانه مخالفت‌هایی که می‌شد از درون مجموعه خود نبود بلکه از بیرون بود. ما کنوانسیون استقلق زنان را خلع مصرف خارجی‌اش در دستور کار قرار دادیم و هیات دولت‌ما با رعایت «تحفظ کلی» آن را به تصویب رساند و بعد هم مجلس آن را تصویب کرد تا اینکه شورای نگهبان آن را رد کرد. متاسفانه آنچه در مورد کنوانسیون اتفاق افتاد بیش از آنکه واقعیت باشد، فضاسازی بود آن هم بدون توجه به نگرش ما به این موضوع. معتقدم اگر ما در بحث اجتهاد به عنصر زمان و مکان توجه کنیم هیچ نیازی به کنوانسیون نداریم. اسلام مترقی‌ترین و کامل‌ترین قوانین را در زمان خودش برای زنان وضع کرده و اصل اجتهاد هم کمک می‌کند تا به کمک فقهای روشنفکر بهترین و جامع‌ترین قوانین را برای زنان تصویب کنیم. ما می‌خواستیم چهره مترقی از زن بر اساس اسلام نشان دهیم؛ اما رفته رفته بودند دنبال خبرک گردن ذهن علما و همین موضوع انرژی ما را می‌گرفت.

یعنی می‌فرمایید در این مساله نوعی سوءگیری سیاسی بود؟

بله؛ جریان سیاسی که از روی کار آمدن دولت اصلاحات خیلی خوشحال نشده بود می‌خواست به مردم نشان دهد که انتخابشان اشتباه بوده و به همین خاطر بعضی از ایرادگیری‌ها را می‌گرفتند تا جایی که زنان و گرازش ما در سازمان ملل متمرکز کرده بود. آنها گزارش واقع‌بینانه نمی‌دادند و لزامیشده در سازمان ملل «سایه‌نامی» خودشند و روی آن مفور فراوانی داشتند.

و ماجرای تلخص مجلس هفتم از مرکز زنان نیز در همین چارچوب رخ داد؟

بله؛ درست زمانی که رهبری گفتند بگذارید دولت درماه‌های آخر کارش به انجام دهد. افرادی با اصرار خواهان تلخص از مرکز بودند. باید بگویم با وجود هشتسال پیگیری و ارجاع به فوقطنایه، برای این تلخص در مرحله بازپرسی حکم منع پیگیری صادر شد. این بعنی تلخص کنندگان حتی مدارکی که بتواند براساس آن کیفر خواستی صادر شود نداشتند البته هر سه‌عضو کمیته تحقیق و تلخص از مرکز امور زنان در دوره اصلاحات در نهایت پاداش خود را گرفتند و هر کدام در دولت آینده سمتی را در این مرکز عهده‌دار شدند.

با همه رخدادها و ارقام و انتصاب‌ها بعد از گذشت این مدت از دولت آقای روحانی چشم‌انداز پیش رو را چطور می‌بینید؟

کارنامه گذشته افراد می‌تواند کمک کند تا نگاهی به آینده داشته باشیم. ما در فعالیت‌های گذشته مدیران دولت فعلی چندان عملکرد مثبتی که حاکی از نگرش به توانمندی زنان باشد مشاهده نمی‌کنیم. بنابراین نمی‌شود انتظار بیشتری داشت. این دولت در برنامه خود حرف‌های قشنگی زده بود اما فکر می‌کنم نمی‌دانستند که چه کارهایی باید انجام شود تا این حرف‌های قشنگ عملیاتی شود. دیگر اینکه دولت در شرایط سختی است و در مسیر اعتدال باید حرکتی انجام دهد که جریان‌های مختلف سیاسی روی آن توافق داشته باشند. حوزه زنان، حوزه پر چالش و دارای طیف‌های فکری بسیار متنوعی است. بنابراین می‌توانید حدس بزنید که رسیدن به اجماع در حوزه زنان از چه میزان سخت است. به همین دلیل باید دون تعارف بگویم که راضی نگذاشتن تمام طیف‌های سیاسی در حوزه زنان امکان‌پذیر است.

یعنی ممکن است خیلی از زن‌های منصوب شده در سازمان هیچ رویکرد جنسیتی نداشته باشند؟

بله. ترکیب مدیرانی که تا به حال در آمار انتصاب‌ها به آنها اشاره شده، نشان از آن دارد که نمی‌توان چندان آینده روشنی و پر تحرکی را تصور کرد. حجم زیادی از انرژی رییس مرکز باید به هماهنگی‌سازی مدیران امور زنان صرف شود به جای اینکه صرف هواقوایی شود.

یعنی خانم مولاوردی با چالش زمانتری مواجه است؟

بله. حتی در انتصاب رییس مرکز هم روند به کندی پیش رفت و خیلی طولانی شد. آقای روحانی برای انتصاب رییس مرکز امور زنان خیلی دیر اقدام کرد. شاید عملکرد کارگروه زنان در این تاخیر موثر بود یا اینکه تصمیم‌گیری مترکز نبود یا اینکه ایشان می‌خواست کسی را انتخاب کند که اجماع روی آن باشد؟ یا اینکه چهره‌ای جدید باشد؟ یا شاخص درحالی که روی سایر حوزه‌ها این حساسیت‌ها نبود اما آنچه تحویل خانم مولاوردی شده تشکیلاتی ناکارآمد و سنگین با بودجه زیاد است نیروهایی که به علت انتصاب و رابطه‌ها حالا در مرکز امور زنان جمع شده‌اند البته در عین حال که به توان و مدیریت خانم مولاوردی اطمینان دارم اما مسایل محیطی و شرایط درونی و بیرونی را خیلی مناسب نمی‌بینم. کار ایشان بسیارسیار سخت‌تر از کار مادر سال ۷۶ است.

ادامه از صفحه ۷

سراب «مشارکت زنان در لایه‌های میانی»

زنان غیراصولگرا اما در دولت نهم و دهم وضعیتی بسیار نلخ‌تر را تجربه کردند؛ چراکه افزون بر اختلاف‌های فرهنگی و سیاسی، سایه سنگین رویکرد خاص و منحصربه‌فرد دولت و رییس وقت آن به موضوع زنان را نیز تجربه کردند؛ رویکردی که -بیش از هر دوره‌ای در تاریخ جمهوری‌اسلامی- زنان ایرانی را تسویق و حتی ملزم به ماندن در خانه و رهاکردن تمامی مسوولیت‌ها و دغدغه‌های اجتماعی‌اش می‌کرد. زن مطلوب را تنها در خانه و خدمت به خانواده تصویر می‌کرد و تاثیرگذاری اجتماعی‌اش را امری عبث و بیهوده می‌شمارد. بدون تردید زنان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مجموعه‌های تاثیرگذار در روی کار آمدن سیاست‌های تحول‌خواهانه و تغییرمدارانه، با حساسیت بیشتری رفتار و عملکرد دولت منتخب خود را رصد می‌کند و عدم تحقق وعده‌های آقای رییس‌جمهوری در حوزه زنان و عدالت جنسیتی می‌تواند بازخورد منفی و سرخوردگی عمیقی را در میان حامیانش به‌همراه داشته باشد. البته نگارنده بر این نکته باور دارد که حضور آزادانه و عادلانه زنان در عرصه‌های مدیریتی می‌تواند یکی از بسترهای تحقق عدالت جنسیتی باشد و حوزه‌های دیگر نیز اهمیت و ضرورتی جداگانه دارند که تحلیل و تفصیلش در این مقال نمی‌گنجد.

شرح آنچه رفت علی‌القاعده باید دولت و دولتی‌ها را ترغیب کند که در بهره‌گیری از نیروی مدیریتی زنان و جوانان- حداقل در رده‌های معاونت و مدیریت میانی- دست و دلبازی بیشتری به خرج داده و با رویکردی آینده‌نگرانه بستری مناسب برای تربیت نسل آینده مدیریتی در کشور فراهم کند؛ موضوعی که تا امروز به نظر می‌رسد دولت یازدهم عزم راسخی برای بهبود و بسامان‌کردنش ندارد و تغییر در این است که رویکرد عدالت‌محور خود را در این حوزه سرعت و کیفیتی بیشتر ببخشد. از رهگذر چنین رویکردی در آینده‌ای نه چندان دور ایران اسلامی نسل نازعنفی، نوگرا و خلاقی را تجربه خواهد کرد که قادر به مدیریتی بهرمور و کارآمدتر خواهد بود؛ نسلی که برخلاف نسل اول مدیریت از نوازن عادلانه‌ای در میان مردان و زنان بهره‌مند خواهد بود؛ نسلی که به‌راحتی اجازه نخواهد داد نیمی از توان و پتانسیل موجود در منابع انسانی‌اش مورد غفلت قرار گیرد. باید توجه داشته باشیم چنین رویکردی بیش از آنکه لطف و بخشش دولتی‌ها محسوب شود، در واقع فرصت و ظرفیت جدیدی برای دولت تدبیر و امید خواهد بود و به تعبیری دیگر پیش از آنکه آنها از عرصه‌های مدیریتی محروم بمانند؛ این جامعه است که از خدمات نیمی از ظرفیت و دانشه‌هایش محروم می‌شود.

* فعال امور زنان در بوشهر

نگاهی به نگرش‌ها و سیاست‌های۳۴ سال گذشته در حوزه مشارکت سیاسی - اجتماعی زنان

راه ناهموار زنان مدیر

آخرین انتصاب مدیران زن در استان‌ها

زهرا خندان – عاطفه شمس

زنان در وزارتخانه‌ها

وزارتخانه	نام مسوول	سمت سازمانی
وزارت اطلاعات	تعیین‌نشده	–
وزارت امور اقتصادی و دارایی	فرزانه دهنادی	نماینده وزیر در مرکز امور زنان و خانواده
وزارت امور خارجه	منصوره شریفی‌مصدر	مدیرکل زنان و حقوق‌بشر وزارت امورخارجه
وزارت بهداشت، درمان و آموزش‌پزشکی	عصمت باروتی	مشاور وزیر و سرپرست دفتر امور زنان
وزارت جهاد کشاورزی	فروغ‌السادات‌بنی‌هاشم	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت دادگستری	پوران ولویون	مشاور وزیر امور زنان
وزارت دفاع و نیروهای مسلح	عاطفه مجاهدی	مشاور وزیر امور زنان
وزارت مسکن، راه‌وشهرسازی	سودابه احسانی	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت صنعت، معدن و تجارت	سهیلا جلودارزاده	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	مهدخت بروجردی	مدیر کل روابط عمومی
وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی	عفت شریعتی	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت کار، رفاه و تعاون	تعیین‌نشده	–
وزارت کشور	دکتر فهیمه فرهمندپور	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت نیرو	فاطمه قیومی	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت آموزش‌وپرورش	مرضیه گرد	معاون وزیر و رییس سازمان مدارس غیردولتی
وزارت ورزش‌وجوانان	ریابه شهریان	معاون وزیر در امور زنان
وزارت نفت	فاطمه‌تندگویان	مشاور وزیر در امور زنان
وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	افسانه کفایتی	مشاور وزیر در امور زنان

زنان در سازمان‌های دولتی

سازمان	انتصاب جدید	انتصاب جدید
جمعیت هلال‌احمر	فرحناز رافع	رییس سازمان جمعیت هلال
سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای	محبوبه رنجبر	مشاور امور زنان و خانواده
سازمان امور عشایر	لیلاسادات بالای	مسئول امور زنان
سازمان انتقال خون	طیبه غزاله	مشاور مدیرعامل در امور زنان
سازمان انرژی اتمی	–	–
سازمان بهزیستی	نرجس بختیارخالج	مشاور امور زنان
سازمان هواپیمایی کشوری	نرجس خسروتژاد	مشاور امور زنان
سازمان تعاون روستایی	میترا نجفی	عضو شورای سیاستگذاری
مرکز آمار ایران	مرضیه مبارکی	عضو کمیته نظارت و ارزیابی
سازمان استاندارد	مریم قیادی‌دانا	مشاور امور زنان

نیم نگاه

دانشگاه دخترانه، سهم زنان از مدیریت

سهم زنان از ریاست دانشگاه‌های دولتی ایران، فقط دودانشگاه. آن هم تک‌جنسیتی است؛ دو نفر از ۴۸هزار‌و۴۵عضو هیات علمی دانشگاه‌های دولتی. داستان حضور حداقلی زنان در مناصب مدیریتی منحصر به اداره‌ها و سازمان‌ها نشده و در دانشگاه‌ها حتی پررنگ‌تر ادامه دارد. «اسیه خزعلی»، رییس دانشگاه «الزهرا» و «فرزانه علی‌جانی» رییس دانشکده فنی‌وحرفه‌ای «شریعتی» تنها روسای زن فعلی دانشگاه‌ها هستند. انتصاب‌های تازه در حوزه مدیریتی مراکز آموزش عالی هم رنگ و بوی تحول ندارد و کابینه مدیریت مردان بر دانشگاه هنوز پابرجاست. گذشته از جایگاه‌های تصمیم‌گیرنده، وضعیت بدنه استادان دانشگاهی هم چندان تعریفی نیست. با وجود اینکه تدریس در مراکز آموزشی به دلیل امنیت و آرامش شغلی نسبی همیشه از مشاغل مورد اقبال زنان بوده، تنها ۱۹درصد اعضای هیات علمی دانشگاه‌های دولتی زن هستند. سوال از چرایی این مساله، پاسخ تازه‌ای ندارد. به نظر می‌رسد مثل دیگر معضلات حوزه زنان، اینجا هم دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی موانع راه هستند. کلیشه‌ها معلمی را مناسب‌ترین شغل برای زنان می‌دانند اما تا جایی که حرف از اراِیه دروس دانشگاهی آن هم برای دانشجویان دختر و پسر نباشد. عجیب نیست که از این نسبت ۱۹درصدی تنها دوصندلی سهم زنان باشد: مدیریت دو دانشگاه دخترانه.

زنان شهردار در سده اخیر

مریم پاکزاد
لوهان، گیلان
۹۲

سامیه بلوچ‌زهی
کلات، سیستان‌وبلوچستان
۹۲

زهرا صدر اعظم‌نوری
منطقه۲ تهران
۷۵

مهری روستایی گرایلو
ساوه
۸۳

الهه موالی‌زاده
منطقه ۲ اهواز
۸۷

شراره معدنیان
منطقه ۶ مشهد
۸۵

شیقته بدرآذر
منطقه ۹ تبریز
۸۹

شکوفه شهابی‌پور
سرگزاحمدی، هرمزگان
۸۹

زنان در کابینه یازدهم

نام	سمت
شهیندخت مولاوردی	معاون رییس‌جمهور در امور زنان و خانواده
سولماز سجده	مشاور معاون حقوقی رییس‌جمهور
معصومه ابتکار	رییس سازمان محیط‌زیست
زهرا صدر اعظم‌نوری	مشاور رییس سازمان در محیط‌زیست شهری
نیره پیروزبخت	رییس سازمان ملی استاندارد